

یک جرعه از آفتاب

پیام مولا از بستر شهادت

چون شمع تا سحرگاه شهادت، حرمت پروانه‌ها را پاسداشت، از گرمای خود آنان را سرشار کرد، از عشق گفت، از حقیقت سخن راند و آیین پرواز را آموخت. و اینک علیؑ از جهانی چشم برمی‌گیرد که هیچ‌گاه دلبسته آن نبود و دیده به آسمانی می‌گشاید که همواره آرزوی آن را داشت. اما آفتاب تا هست، می‌تابد. و تو اگر چهره به چهره آفتاب بیفکنی و حتی برای یک لحظه از ساحت عاشقانه او چشم برنگیری، آشکارا خواهی دید که چه سان مهر در

سینه‌ات جوانه می‌زند و نور سراسر وجودت را به آغوش می‌کشد.

پیام مولا
از



بستر شهادت،
روایتی از واپسین
بارقه‌های نور کلام
حضرت علیؑ است. روشنائی

دلپذیری که سینه به سینه به یادگار مانده و همواره راهنما و روشنگر راه عاشقان طریقت است. این نوشتار شرح و توضیح حضرت آیت‌الله مصباح یزدی بر این وصیت حضرت علیؑ است که در واپسین لحظات عمر گرانقدر آن امام همام برای امام حسن و امام حسینؑ بیان شده است.

آیت‌الله مصباح یزدی در بخش نخست این وصیت‌نامه، مسأله وارستگی از دنیا را مطرح کرده و به تشریح گرایش فطری و ذاتی انسان به دنیا و اصل پرهیز از دنیا پرداخته‌اند. ایشان هم‌چنین در این بخش ضمن جدا ساختن ترک محبت دنیا از ترک دنیا، راهی برای رهایی از محبت دنیا ارائه می‌دهند و از ترک محبت دنیا، حق‌گرایی و ظلم‌ستیزی به‌عنوان سه فرمان مهم و اساسی در وصیت حضرت علیؑ یاد می‌کنند. توجه به لذتی بهتر و والا‌تر و نیز توجه به رضایت و رضوان الهی به‌عنوان پهای حقیقی انسان و بالاترین پاداش از دیگر مباحث این بخش است.

«منظور از مذمت دنیا، مذمت زمین، آسمان و گیاهان و سایر مخلوقات خداوند نیست، بلکه آنچه مذموم است نوع برخورد ما با دنیا است. اگر دنیا مذمت شده است، در واقع دل‌بستگی ما به دنیا و عشق‌ورزیدن ما به آن مقصود است، نه آنکه خود دنیا از آن‌جهت که مخلوق خداوند است عیب و اشکالی داشته باشد. درواقع دنیا برای مؤمن، مرکب و وسیله است نه مقصود و هدف. به مرکب باید آن اندازه رسیدگی کرد که برای رساندن به مقصد لازم است، اما توجه بیش از این به آن، کاری

غیرعقلانه و
کودکانه‌است. بنابراین عیب در دنیا نیست، عیب در نوع نگاه ما به دنیاست.

در این نوشتار، نویسنده با توجه به فرازی از وصیت‌نامه حضرت علیؑ از «نظم» به‌عنوان واجب فراموش شده نام برده و دو شرط اساسی تحقق نظم در جامعه اسلامی را نیز برشمرده است.

هم‌چنین با بیان اهمیت روابط اجتماعی در اسلام، به مسأله اصلاح روابط اجتماعی اشاره شده است. نقش عقل، اصل عدالت و اصل احسان بر روابط اجتماعی و کاربرد اصل احسان در خدمت یتیمان و همسایگان از جمله مباحثی است که نویسنده نسبت به شرح آنها اهتمام ورزیده‌اند.

«اختلاف، حقیقتاً خانمان‌سوز و دودمان برانداز است. اختلاف باعث می‌شود شاگرد نسبت به کلاس و درس استاد بی‌رغبت شود و درس او را ترک کند یا اگر هم بنشیند، به سخن او گوش ندهد. اختلاف، سبب می‌گردد روابط دوستانه و صمیمانه زن و شوهر در محیط خانه سست شود و به سردی بگراید. این طبیعت

کدورت و اختلاف است که در هرجا ریشه پیدا کند افراد را از یکدیگر دور می‌سازد.

این‌جاست که اسلام با توجه به اهمیت این مسأله و آثار و عواقب و پی‌آمدهای بسیار مضر و خطرناک آن وارد معرکه می‌شود و در پی چاره برمی‌آید. امیرالمؤمنینؑ در آخرین سفارش‌های خود به پیروان و دوست‌دارانش، قبل از توصیه به نماز و روزه، مسأله اصلاح ذات‌البین و آشتی‌دادن بین مؤمنان را گوشزد می‌کند.

استاد مصباح در ارائه این نوشتار، نماز و قرآن را به‌عنوان دو رکن حیاتی اسلام برشمرده‌اند. هم‌چنین به شرح و توضیح جایگاه ویژه خانه کعبه و حج و نگاه اهل‌بیت به حج پرداخته‌اند و پی‌آمدهای غفلت از کعبه و منافع بی‌شمار حج را نیز بیان کرده‌اند.

«آری، نماز بزرگ‌ترین، مؤثرترین و بهترین دارو برای امراض روحی انسان‌ها است. همان‌گونه که در روایات آمده، نماز هم‌چون چشمه‌ای است که انسان در هر شبانه‌روز پنج‌بار روح خود را در آن شست‌وشو می‌دهد و آلودگی‌های قلب و روح را می‌زداید. نماز موجب تعالی روح انسان است و او را از پستی به اوج حرکت می‌دهد. نماز خاصیت آرامش‌بخشی دارد و انسانی که نگران و مضطرب است، می‌تواند با خواندن دو رکعت نماز و در اثر ارتباط با خدا به آرامش برسد.»

«گویا پس از نماز مهم‌ترین عبادت در عالم اسلام حج است که مولای متقیان علیؑ بلافاصله بعد از نماز، با این تاکید نسبت به آن سفارش می‌کند. اگر به منافعی که در حج وجود دارد توجه کنیم سر این تاکید امیرالمؤمنینؑ تا حدودی روشن خواهد شد. حج، منافع گسترده‌ای برای مسلمانان و جامعه اسلامی به‌همراه دارد. گستردگی این منافع به حدی است که ابعاد مختلفی هم‌چون منافع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، عبادی و نظامی را شامل می‌شود.»

در پایان، نویسنده به مسأله جهاد در سه‌عرصه اشاره دارد؛ جهاد با مال، جهاد با زبان و جهاد فرهنگی. هم‌چنین در این‌بخش ضمن اشاره به روایتی در تبیین فضیلت جهاد فرهنگی به ساحت‌های گوناگون مسأله امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان ضامن سلامت و سعادت جامعه اشاره کرده‌اند.

«دین، خواستار آن است که افراد احساس مسئولیت داشته باشند و در مقابل انجام گناه آرام و بی‌تفاوت ننشینند. این روحی است که اسلام می‌خواهد در پیکر تمامی جامعه دیده شود. از نظر دین، هر فرد علاوه بر انجام تکالیف شرعی خود باید نسبت به رعایت احکام الهی از جانب دیگر افراد جامعه نیز حساسیت و تعصب داشته باشد. حدود و احکام الهی «حرمت‌الله» اند^۱ و حرمت و احترام آنها باید از جانب همگان پاس داشته شود و در این زمینه تفاوتی بین خود و دیگران نیست. همان‌گونه که هر کس خودش نباید احکام الهی را بشکند، باید از این که دیگران نیز این حرمت را رعایت نکنند ناراحت و نگران شود و آنان را از این کار منع کند و باز دارد. اگر چنین نباشد، این همان کسی است که پیامبر اکرمؐ در وصف او فرمود: المومن الضعیف الذی لا دین له.»

۱. این تعبیر برگرفته از قرآن کریم است: انجا که در آیه ۳۰ از سوره حج می‌فرماید: من یعظم حرمت‌الله...